

کد رهگیری ثبت پروپوزال: ۱-۴۱۱۳۶

کد رهگیری ثبت پایان نامه:

مِنْ سَائِرِ
الْعَالَمِ



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه آموزشی حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش خصوصی

عنوان:

وضعیت حقوقی ترکه متوفی قبل از تقسیم بین ورثه

استاد راهنما:

دکتر رضا کریم کاشی آرانی

استاد مشاور:

دکتر بیژن حاجی عزیزی

نگارش:

خدیجه سالک قادری

۳۰ بهمن ۱۳۹۱

کلیه امتیازهای این پایان‌نامه به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا یا استاد راهنمای پایان‌نامه و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه ثبت شود. در غیر این صورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت. درج آدرس‌های ذیل در کلیه مقالات خارجی و داخلی مستخرج از تمام یا بخشی از مطالب این پایان‌نامه در مجلات، کنفرانس‌ها و یا سخنرانی‌ها الزامی می‌باشد.

....., Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran.

مقالات خارجی

..... گروه دانشکده، دانشگاه بوعلی سینا، همدان.

مقالات داخلی

تقدیم

تقدیم به او که تحتین درس عمده کشایی و راز لمس لطیف ترین عواطف بشری را در رفتار پر بخشش و گفتار پر از تفاهم خویش
به من آموخته است.

به او که در آتش انتظار تحتین روز و روز و در من به دبستان می سوخت و در گذر این حسرت جانگناه، ناکام و نگران دیده از جهان
بر بست.

به او که یاد بود لطف و صفا و تحمل بی درینش پیوسته شیرین ترین خاطره ی زندگی من خواهد بود.
به او که قلب من همیشه سوگوار اوست.

به او،

به مادرم.

پاسکزاری

پاس ایزدمنان را که بدون بذل عنایتش طی طریق میسر نمی‌گردد، او که در میموندن این راه شوق آموختن را در وجودم بیدار

کردانید، باشد که بیاری حضرتش آن چه را آموختم در راه رضایتش و خدمت به مردانش به کار گیرم.

پاس از پدرم که غزل زیبای محبت و ایثار است و بدون وجود دلگرم‌کننده‌اش، هرگز نمی‌توانستم گامی به جلو بردارم.

پاس از خواهر و برادرهایم که همواره مشوق و مرعجم در تحصیل بوده‌اند.

پاس از استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر کریم کاشی که افزون بر صبر، باراهنمایی‌ها، نکته‌سنجی‌ها و تشویق‌هایش، شوق نوشتن و

ادامه‌ی کار را به من بخشید.

پاس از استاد دکتر تقدیرم جناب آقای دکتر حاجی عزیزمی که هم ممانت و سادگی را به من آموخت و هم باراهنمایی‌هایش

مرباری نمود.

در نهایت پاس از هریاری دهنده‌ای که وسعت همراهی‌اش حتی به قدر لحظه‌ای مرا به پاس ابدی موقوف نمود.



دانشگاه بوعلی سینا
مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی

عنوان:

وضعیت حقوقی ترکه متوفی قبل از تقسیم بین ورثه

نام نویسنده: خدیجه سالک قادری

نام استاد/اساتید راهنما: دکتر رضا کریم کاشی آرانی

نام استاد/اساتید مشاور: دکتر بیژن حاجی عزیزی

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی

گروه آموزشی: حقوق

رشته تحصیلی: حقوق

گرایش تحصیلی: خصوصی

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد

تاریخ تصویب پروپوزال: ۹۰/۱۲/۱۴

تاریخ دفاع: ۹۱/۱۱/۳۰

تعداد صفحات: ۱۰۵

چکیده:

مطابق ماده ۹۵۶ قانون مدنی «اهلیت برای دارا بودن حقوق با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می شود». بنابراین هنگامی که شخصی فوت می کند، شخصیت او پایان یافته و دارایی وی از شخصیت او جدا می شود. با توجه به اینکه تصور مال بدون مالک ممکن نیست، پژوهش حاضر به دنبال بررسی این موضوع است که در فاصله بین فوت متوفی تا اتمام تصفیه ترکه، ترکه ای به جا مانده از متوفی منسوب به چه شخصیتی است؟ به عبارتی آیا ترکه به شخصیت میت وابسته است یا ورثه؟ یا اینکه خود ترکه دارای شخصیت حقوقی مجزا می باشد؟ در پاسخ به این سوال حقوقدانان و فقها نظرات مختلفی ابراز داشته اند. برخی معتقد به شناسایی شخصیت حقوقی مستقل برای ترکه هستند و برخی دیگر با استدلال هایی این نظر را رد می کنند. بیان نظرات مختلف در این زمینه و تحلیل آن ها محور اصلی پژوهش حاضر است. در این راستا نگارنده پس از تحلیل و تدقیق در منابع مختلف و با استناد به مواد مختلف قانون مدنی و قانون امور حسبی، عدم وجود شخصیت حقوقی برای ترکه را موجه تر و قابل دفاع تر می داند و مالکیت ورثه بر ترکه را در مدت مذکور می پذیرد.

واژه های کلیدی: ترکه ی متوفی، مالک ترکه، شخصیت حقوقی، مالکیت ورثه

فہرست مطالب

فصل اول : طرح پژوهشی

۱-۱- طرح مسأله.....	۴
۲-۱- سابقه و ضرورت انجام پژوهش.....	۴
۳-۱- فرضیات.....	۵
۴-۱- اهداف.....	۵
۵-۱- روش انجام تحقیق.....	۵
۶-۱- تقسیم مطالب.....	۶

فصل دوم: کلیات و مفاهیم

۱-۱-۱- معنای لغوی دارایی.....	۹
۲-۱-۱- معنای اصطلاحی دارایی در فقه.....	۹
۳-۱-۱- معنای اصطلاحی دارایی در حقوق موضوعه.....	۱۱
۱-۳-۱-۱- ویژگی‌های دارایی نسبت به اجزای خود.....	۱۲
۲-۳-۱-۱- ویژگی‌های دارایی نسبت به شخصیت.....	۱۲
۱-۲-۱- معنای لغوی ترکه.....	۱۴
۲-۲-۱- معنای اصطلاحی ترکه در حقوق موضوعه.....	۱۴
۳-۲-۱- قبول و رد ترکه.....	۱۵
۴-۲-۱- تصفیه ترکه.....	۱۶
۵-۲-۱- حقوق متعلق به ترکه.....	۱۸
۱-۵-۲-۱- تدفین و تجهیز متوفی.....	۱۸
۲-۵-۲-۱- حقوق طلبکاران متوفی.....	۱۹
۳-۵-۲-۱- حق موصی له.....	۲۱
۴-۵-۲-۱- حقوق ورثه.....	۲۱
۱-۳-۱- مفهوم ارث.....	۲۲

۲۴ شرایط تحقق ارث	۲-۳-۱
۲۶ رابطه ارث و ترکه	۳-۳-۱
۲۷ مفهوم شخص	۱-۴-۱
۲۸ مفهوم شخصیت	۲-۴-۱
۲۸ اقسام شخص و شخصیت	۳-۴-۱
۳۰ آغاز شخص حقیقی	۱-۳-۴-۱
۳۰ پایان شخص حقیقی	۲-۳-۴-۱
۳۱ آغاز شخص حقوقی	۳-۳-۴-۱
۳۳ پایان شخص حقوقی	۴-۳-۴-۱
۳۳ شخصیت حقوقی در حقوق موضوعه	۴-۴-۱
۳۵ شخصیت حقوقی در فقه	۵-۴-۱
۳۶ شرایط ایجاد شخصیت حقوقی	۶-۴-۱
۳۸ اهلیت شخص حقوقی	۷-۴-۱

فصل سوم: وضعیت حقوقی ترکه

۴۴ مفهوم این نظریه	۱-۱-۲
۴۵ دلایل طرفداران این نظریه	۲-۱-۲
۴۸ دلایل ردّ این نظریه	۳-۱-۲
۴۹ پاسخ طرفداران این نظریه	۴-۱-۲
۵۰ مفهوم این نظریه	۱-۲-۲
۵۱ دلایل طرفداران این نظریه	۲-۲-۲
۵۴ مالکیت متزلزل	۱-۲-۲-۲
۵۶ وضعیت حقوقی طلبکاران نسبت به ترکهی متوفی	۲-۲-۲-۲
۵۷ دلایل رد این نظریه	۳-۲-۲
۵۸ پاسخ طرفداران این نظریه	۴-۲-۲
۵۹ مفهوم این نظریه	۱-۳-۲

۶۰ دلایل طرفداران این نظر
۶۲ دلایل ردّ این نظریه
۶۶ پاسخ طرفداران این نظریه
۶۷ مفهوم نظریه
۶۷ دلایل طرفداران این نظریه
۶۸ دلایل رد این نظریه

فصل چهارم: آثار وضعیت حقوقی ترکه

۷۴ در نظریه‌ی مالکیت ورثه
۷۴ در نظریه‌ی در حکم مال میت بودن ترکه
۷۵ در نظریه‌ی شخصیت حقوقی ترکه
۷۵ در نظریه‌ی بقاء ذمه‌ی میت
۷۶ در نظریه‌ی مالکیت ورثه
۷۶ در نظریه‌ی در حکم مال میت بودن ترکه
۷۷ در نظریه‌ی شخصیت حقوقی ترکه
۷۷ در نظریه‌ی بقاء ذمه‌ی میت
۷۸ در نظریه‌ی مالکیت ورثه
۷۸ در نظریه‌ی در حکم مال میت بودن ترکه
۷۹ در نظریه‌ی شخصیت حقوقی ترکه
۷۹ در نظریه‌ی بقاء ذمه‌ی میت
۸۰ در نظریه‌ی مالکیت ورثه
۸۰ در نظریه‌ی در حکم مال میت بودن ترکه
۸۰ در نظریه‌ی شخصیت حقوقی ترکه
۸۱ در نظریه‌ی بقاء ذمه‌ی میت
۸۱ در نظریه‌ی مالکیت ورثه
۸۲ در نظریه‌ی در حکم مال میت بودن ترکه

- ۳-۵-۳- در نظریه‌ی شخصیت حقوقی ترکه ۸۲
- ۳-۵-۴- در نظریه‌ی بقاء ذمه‌ی میت ۸۲
- ۳-۶-۱- در نظریه‌ی مالکیت ورثه ۸۳
- ۳-۶-۲- در نظریه‌ی در حکم مال میت بودن ترکه ۸۴
- ۳-۶-۳- در نظریه‌ی شخصیت حقوقی ترکه ۸۴
- ۳-۷-۱- در نظریه‌ی مالکیت ورثه ۸۵
- ۳-۷-۲- در نظریه‌ی در حکم مال میت بودن ترکه ۸۵
- ۳-۷-۳- در نظریه‌ی شخصیت حقوقی ترکه ۸۶
- ۳-۷-۴- در نظریه‌ی بقاء ذمه‌ی میت ۸۶

فصل پنجم: نتیجه گیری

- نتیجه گیری ۹۱
- منابع ۱۰۱

فصل اول

طرح پژوهشی

مقدمه

هر انسانی دارای شخصیت است. البته شخصیت هنگامی به کمال می‌رسد که انسان زنده متولد شود، زیرا با وجود شناسایی شخصیت برای جنین، شخصیت او ناقص و مشروط به زنده متولد شدن اوست و بلافاصله پس از تولد است که برای دارا شدن حقوق و تکالیف مالی صلاحیت و شایستگی پیدا می‌کند. این شایستگی که دارایی نامیده می‌شود، تمام حقوق مالی اعم از مثبت و منفی را در بر می‌گیرد. شخص در زمان حیات خویش با توجه به اصل آزادی اراده می‌تواند هرگونه تصرفی که مخالف قانون و حقوق دیگران نباشد در دارایی خود به عمل آورد، خواه اثر آن در زمان حیات ظاهر گردد و خواه پس از فوت و در قالب وصیت. اما پس از مرگ و با پایان یافتن شخصیت متوفی، محتوای دارایی از شخصیت متوفی جدا می‌شود و در این حالت حقوق باید سرنوشت اموال و حقوق مالی و دیون به جا مانده از متوفی را مشخص و معین سازد تا ملکی بدون مالک نماند؛ بر همین اساس در جوامع مختلف و در تمام نظامهای حقوقی نهادی به نام ارث تاسیس شده است، اما در هر نظام حقوقی مقررات متفاوتی برای این نهاد ایجاد کرده اند چرا که حقوق برای تعیین مالک جدید و وراثت و شرایط وراثت و..... از سنتها و عادات و رسوم و فرهنگ آن جامعه الهام می‌گیرد. حقوق ایران مقتبس از فقه امامیه است و تمام مقررات مربوط به ارث را کاملاً از فقه اقتباس کرده و قانونگذار این مطالب فقهی را در قالب مواد قانونی بیان نموده است و یکی از مباحث مربوط به ارث، زمان تحقق ارث و در واقع زمان انتقال مالکیت ترکه به ورثه و وضعیت ترکه بعد از فوت و قبل از تقسیم بین ورثه و مسائل مربوطه است. بنابراین برای تعیین این موضوع که محتوای دارایی متوفی بعد از جدایی از شخصیت او چه وضعیتی می‌یابد، مباحثی مطرح و نظرات مختلفی در این زمینه ارائه شده است و حقوقدانان در تحلیل و تفسیر مواد مختلف قانونی دچار تشتت آراء شده و هر یک با استدلال‌هایی نظری را قبول کرده‌اند که در این پژوهش نظرات مختلف در رابطه با موضوع مطروحه و دلایل و استنادات آنان بررسی و نتیجه‌ی مقتضی گرفته شده است.

۱-۱- طرح مسأله

تا زمانی که شخص زنده است مالک دارایی خود است اما پس از مرگ و با از بین رفتن شخصیت حقوقی، این دارایی، قهراً به ورثه منتقل می شود. ولی از آنجا که دیون میت و واجبات مالی نیز باید از محل ماترک پرداخت شود و تا زمانی که پرداخت نشده میراث به طور قطعی به وراث انتقال پیدا نمی کند، مسئله مطرح این است که دارایی متوفی قبل از انتقال قطعی به وراث چه وضعیتی دارد؟ به عبارت دیگر باتوجه به اینکه ترکه قبل از تصفیه آن ناخالص است و آنچه به واقع به وراث انتقال پیدا می کند حقوق و اموالی است که پس از تصفیه کامل ترکه باقی می ماند، باید دید در دورانی که فوت محقق شده و مالکیت وارثان مستقر نشده است، ترکه چه وضع حقوقی دارد؟ یعنی در این فاصله، ترکه در مالکیت چه شخصی است؟ برای پاسخ به این سؤال نظرات مختلفی ارائه شده است که از جمله آنهاست: نظریه شخصیت حقوقی میت، در حکم مال میت بودن ترکه، مالکیت متزلزل ورثه و شخصیت حقوقی ترکه. در پژوهش حاضر برآنیم که با مطالعه نظرات مطرح شده، وضعیت حقوقی ترکه ی میت را از زمان فوت متوفی تا پایان تصفیه بررسی نمائیم و به این سوالات پاسخ دهیم که آیا ترکه بلافاصله پس از فوت مورث به مالکیت ورثه منتقل می شود؟ آیا شخصیت حقوقی میت تا پایان تصفیه ترکه باقی می ماند؟ و به طور اختصاصی تر به این موضوع پردازیم که آیا ترکه ی میت قبل از تصفیه شخصیت حقوقی دارد یا خیر؟

۱-۲- سابقه و ضرورت انجام پژوهش

با توجه به اهمیت مسئله و اینکه درباره وضعیت حقوقی ترکه ی میت تحقیق و پژوهش کافی انجام نشده است و نظر به اختلافی بودن مسئله و اینکه در قوانین موضوعه و مباحث حقوقی به صراحت درباره این موضوع اظهارنظر نشده است و همچنین رویه قضایی روشنی در این مورد وجود ندارد، بنابراین به نظر می رسد ضرورت دارد که در این مورد بررسی بیشتری انجام شود تا مشخص شود که در نظام حقوقی ایران وضعیت حقوقی ترکه قبل از تصفیه چگونه است تا بدینوسیله مشکلات و اختلافات موجود در رویه قضایی نیز حل شود. البته دکتر کاتوزیان در چندین کتاب خود به اقتضای موضوع بحث

و مخصوصاً در کتاب وصیت و دکتر جعفری لنگرودی نیز در کتاب های خود مانند وصیت ، ارث و الفارق و بعضی دیگر از نویسندگان در آثارشان بطور مختصر درباره این مسئله نظریاتی مطرح کرده اند که برخی برای ترکه میت شخصیت حقوقی قائل شده اند و برخی این امر را نفی کرده اند.

۳-۱- فرضیات

- ۱- ترکه بلافاصله پس از فوت مورث به مالکیت ورثه منتقل می شود .
- ۲- مالکیت ورثه نسبت به ترکه قبل از تصفیه ی آن، متزلزل است.

۴-۱- اهداف

- ۱- افزایش دانش تئوریک علم حقوق و بررسی و نقد نظریات ارائه شده در این زمینه
- ۲- پاسخ به سوالات طرح شده در این پژوهش
- ۳- ارائه راه کارهایی برای حل مشکلات عملی و موجود در رویه قضایی در خصوص وضعیت حقوقی ترکه.

۵-۱- روش انجام تحقیق

با عنایت به این که روش شایع پژوهش در رشته های مختلف علوم انسانی اغلب روش تحلیلی - توصیفی است و رشته حقوق نیز از این لحاظ مستثنی نیست لذا مهم ترین روش مورد استفاده جهت گردآوری اطلاعات در این پژوهش، روش کتابخانه ای می باشد که با تحلیل متون قوانین و نوشته های حقوقی تلاش می شود نتایج علمی به دست آید . در این راستا پس از مطالعه و بررسی کتب و مقالات مرتبط با موضوع به فیش برداری از مطالب آنها می پردازیم و با تحلیل محتوای این منابع، استنباط و نتیجه گیری خود را در خصوص موضوع بیان می کنیم.

۱-۶- تقسیم مطالب

در این پژوهش که هدف، بررسی وضعیت حقوقی ترکه‌ی متوفی قبل از تقسیم بین ورثه می‌باشد، ابتدا در فصل اول مفاهیم و کلیات مربوط به موضوع توضیح داده می‌شود، سپس در فصل دوم نظریاتی که در رابطه با وضعیت حقوقی ترکه توسط فقها و حقوقدانان مطرح شده و استدلال موافقان و مخالفان این نظریات بررسی می‌شود و در فصل سوم به آثار حقوقی مترتب بر هر یک از نظریات مطروحه پرداخته می‌شود و در پایان از مباحث و مطالب بیان شده نتیجه مقتضی و متناسب با قوانین ایران گرفته می‌شود.

فصل دوم:

کلیات و معانی

طرح مطلب

ما در این پژوهش به دنبال بررسی وضعیت حقوقی ترکه‌ی متوفی قبل از تقسیم آن بین ورثه هستیم، جهت سهولت مطالعه‌ی نظرات مطرح شده در این زمینه و شرح و تحلیل استدلال مخالفان و موافقان نظرات مطروحه، ابتدا لازم است چند اصطلاح تعریف گردد، بنابراین جهت نیل به هدف مذکور، در این فصل مفاهیم دارایی (گفتار اول)، ترکه‌ی متوفی (گفتار دوم)، ارث (گفتار سوم) و شخص و شخصیت (گفتار چهارم) توضیح داده می‌شود:

گفتار اول: مفهوم دارایی

۱-۱-۱- معنای لغوی دارایی

دارایی در لغت به معنای: ۱- خواسته، مال، مایملک. ۲- داشت، نگهداشت، نگهداری ۳- بدهی؛ ۴- وزارتخانه یا اداره ای که موظف است مالیاتها را وصول و هزینه وزارتخانه ها و موسسات دولتی را تامین کند و مالیه آمده است (معین. ۱۳۸۴: ۵۱۴).

۱-۱-۲- معنای اصطلاحی دارایی در فقه

برای تعریف دارایی در فقه باید معادلی که در قبال دارایی در فقه وجود داشته است، بررسی شود؛ آنگونه که بعضی از مؤلفین اشاره کرده‌اند، معادل فقهی دارایی «ذمه مالی» است (سنه‌وری. ۱۳۳۷: ۷).
پیش از ورود به بحث دارایی در اصطلاح فقهی، لازم است یادآوری شود که در فقه واژه‌ی ذمه، لفظی مشترک برای دو مفهوم دارایی و شخصیت حقوقی است. در آینده به تفصیل بیان خواهد شد که دو نهاد دارایی و شخصیت حقوقی رابطه‌ی تنگاتنگی با هم داشته و بسیار به هم وابسته می‌باشند، در حقیقت اگرچه این دو در مفهوم متفاوت هستند، اما در وجود متلازم اند و هرگاه شخصی دارای شخصیت حقوقی باشد دارایی نیز خواهد داشت و هر موجودی که دارایی داشته باشد شخصیت حقوقی هم

خواهد داشت. در فقه نیز ذمه از لوازم شخصیت محسوب شده است و یکی بدون دیگری در عالم خارج غیرقابل تصور است (الجواهری. ۱۴۱۹: ۱۶۱).

در فقه ذمه چنین تعریف شده است: «در فقه اسلامی ذمه وصفی است شرعی که شارع وجود آن را در انسان فرض کرده است و با وجود آن انسان اهلیت الزام و التزام می‌یابد، یعنی صلاحیت می‌یابد که دارای حقوق باشد یا واجبات بر او تعلق گیرند.» (سنهوری. ۱۴۱۷: ۲۰).

به نظر می‌رسد حقوق و تکالیف مذکور در این تعریف هم شامل حقوق و تکالیف غیر مالی است که در حقوق ایران شخصیت حقوقی نامیده می‌شود و هم شامل حقوق و تکالیف مالی است که در حقوق ایران با نام دارایی شناخته می‌شود.

برخی فقها معتقدند ذمه‌ی مالی محلی است به اعتبار عقل، برای اموالی که در خارج وجود ندارد، تا این محل موطن آن اموال باشد (الجواهری. ۱۴۱۹: ۱۵۵). ذمه ظرفی برای اموال کلی است و از این جهت با عهده تفاوت دارد، زیرا عهده ظرف اموال خارجی (جزیی) است (نجفی خوانساری. ۱۴۲۴: ۱۴۵). برخی دیگر از فقها گفته‌اند که بین عهده و ذمه عموم و خصوص وجود دارد؛ زیرا ممکن است در موردی عهده باشد و ذمه نباشد و در جای دیگر فقط ذمه باشد و عهده نباشد. مثال مورد اول نفقه‌ی واجب اقارب انسان است که در آن عهده انسان به نفقه‌ی اقارب مشغول است ولی ذمه‌اش به آن مشغول نیست و مورد دوم مثل جایی که نابالغی مال غیر را تلف کند که ذمه‌اش به بدل مال مشغول می‌شود ولی عهده‌اش نه (الجواهری. ۱۴۱۹: ۱۵۵).

ذمه‌ی مالی در فقه، که معادل دارایی در حقوق ایران است، دارای همان ویژگی‌هایی است که در حقوق ایران برای دارایی ذکر شده است؛ مثلاً هر شخصی دارای ذمه‌ی مالی است و اصل وحدت ذمه حاکم است، یعنی هر شخص دارای ذمه‌ی واحد است و نمی‌تواند ذمه‌ی متعدد داشته باشد (الجواهری. ۱۴۱۹: ۱۶۱). این اوصاف در مورد دارایی نیز صادق است که تفصیل آن در شماره‌های بعدی آمده است.

در مورد اینکه ذمه امری اعتباری است حال یا به اعتبار عقل یا به اعتبار شرع، بین فقها اختلافی وجود ندارد. تنها اختلاف فقها در مورد ذمه‌ی مالی، در خصوص از بین رفتن آن با مرگ است؛ برخی قایل به